

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در صدد بیان کلام مرحوم امام خمینی بودیم؛ ایشان فرمود اجماع منقول از دو طریق حجت می‌شود:

1: حدس فراگیر (ملازمه عادی) ایشان تشبیه میکند و می‌فرماید اگر شما به کشوری داخل شدید و دیدید همه اداری ها ساعت 7 صبح سر کار می‌آیند و... شما یقین می‌کنید که نظر و رضایت رئیس ادارات در این است که ساعت 7 بیایند در اجماع هم همین رویه جاری است و لذا اجماع کاشف از رضایت امام است.

2: اگر علما اتفاق کردند این اتفاق کاشف از دلیل و حدیثی است که به دست ما نرسیده است و اگر به دست ما می‌رسید ما هم می‌پذیرفتیم.

نکته: مرحوم امام خمینی را باید از موافقین اجماع منقول دانست.

استاد علیدوست: مناقشه مبنایی با ایشان به صورت مفصل نمی‌کنم (مثلاً اینکه اینها خبر حسی را حجت می‌دانند به خلاف حدسی؛ من این را قبول ندارم) مرحوم امام خمینی می‌فرماید قاعده لطف از اساس باطل است و ما باید در این زمینه هم با مرحوم امام خمینی بحث کنیم.

نکته: ما باید بحث کنیم و ببینیم آیا اجماع اتفاق علما در عصر واحد است یا در اعصار مختلفه؟ و اینها را باید مفصلاً ان شاء الله توضیح دهیم؛ قاعده لطف باید مفصلاً بررسی شود و... .

ما سال قبل بحثی با مرحوم صدر داشتیم که می‌گفتیم وجوب فقط از ناحیه هستی بخش است حتی عقل هم حکم ندارد بلکه عقل درک بایستگی دارد.

گفتیم که مرحوم امام خمینی مدافع اجماع منقول شد اما به نظر می‌رسد با همه تلاش‌های که مرحوم امام خمینی می‌کند اما باز هم ادعای قطع - به رضایت معصوم یا ادعای قطع به وجود دلیل و روایتی که به دست ما نرسیده است - بسیار مشکل است؛ گفتیم مرحوم امام خمینی مثال زدند و فرمودند اگر شما به کشوری داخل شدید و دیدید همه کارکنان در ساعت خاصی سر کار می‌آیند و... شما یقین پیدا می‌کنید که رئیس اینها به این کار راضی بوده است و از این مثال مرحوم امام خمینی به این می‌رسد که اجماع فقها کاشف از ریاست معصوم است.

استاد علیدوست: در پژوهش از تشبیه بسیار استفاده می‌کنیم اما بعضی وقت‌ها تشبیه فارق محسوس دارد و بعضی وقت‌ها فارق نامحسوس؛ این تشبیهی که مرحوم امام خمینی ذکر کرد و بسیاری از بزرگان هم این تشبیه را در کتب ایشان آورده‌اند؛ این تشبیه جای تامل دارد.

بیان تأمل: در مشبهه به: یک اتفاق حساب شده در یک امر محسوس صورت گرفته است (همه سر ساعت خاص سر کار می‌روند) ما در اینجا مطمئن می‌شویم رئیس اینها به این امر رضایت دارد؛ اما در ما نحن فیه: اتفاق علما (با آن مشکلاتی که داشته‌اند برخی کتب ایشان به دست ما نرسیده، برخی کتاب نمی‌نوشتند و...) بر یک امر غیر محسوس (اجماع)؛ و همه علما هم معلوم نیست در یک عصر اتفاق داشته باشند ممکن است 2 فقیه در یک زمان گفته‌اند 4 فقیه در عصر بعد و... چه بسا ادعای اجماع از بعدی‌ها به تبعیت از قبلی‌ها باشد و... با این شرایط قیاس اجماع و اتفاق فقها به کارمندان ادارات صحیح نیست. اشکال به طریق دوم امام خمینی به حجیت اجماع: از کجا معلوم آن دلیلی که به دست قدماء رسیده اگر به دست ما می‌رسید ما می‌پذیرفتیم چه بسا ما براساس مناقشات دلالتی یا سندی نمی‌پذیرفتیم.

مثلاً قدماء اسلام را مساوی با عدالت می‌دانستند اما ما این ادعا را نمی‌پذیریم.

الحمد لله رب العالمين